

فارسى Iran Press Watch

ثبت تعقیب و آزار جامعه بهائیان ایران با ارائه اسناد و مدارک

RSS FEED EMAIL UPDATES TWITTER

HOME / FEATURED POSTS / MEDIA / COMMENTSUNCATEGORIZED /



محاکمه یاران تحت آئین دادرسی کیفری ایران

February 13th, 2010

محاکمه یاران تحت آئین دادرسی کیفری ایران

عدالت الهی "یا بی عدالتی به عنوان آئین دادرسی"

بخش نخست

عدالت اسلامی، "دادرسی، محلّ دادرسی، تعقیب کیفری و کیفرخواست"

اثر: دکتر کریستوفر باک

محاکمه یاران ایران، که "جلسه اول" آن روز دوازدهم ژانویه 2010 صورت گرفت، تحت نظام جاری دادرسی کیفری ایران، مخلوق جمهوری اسلامی ایران، انجام شود. درست مانند مقاله پیشین من، "حکومت ایران، نه یاران، در دادگاه افکارمی عمومی جهان محاکمه میشوند" [1]، که تلاشی بود برای نشان دادن این نکته که رفتار شود، انعکاس نامطلوبی بر با یاران ایران، تا آنجا که به "عدالت اسلامی" مربوط می کند که، با موازین حقوقی ایرانی، ایران اسلامی خواهد داشت، مقاله فعلی نیز ثابت می رفتار با یاران ایران نقض صریح قانون اساسی جاری جمهوری اسلامی ایران و قانون آئین دادرسی کیفری فعلی آن است

های "ایرانی" و "اسلامی" است. در جایی مشاهده بنابر این، هر دو مقاله، اساساً بحث المللی ام که دیگران به چنین رویکردی مبادرت کرده باشند. اگرچه جامعه بین نکرده مشتاق است بدانند که رفتار با یاران ایران از چه لحاظ ممکن است ناقض موازین المللی باشد، اما بر این باورم که مخاطبان ایرانی مایلند بدانند که جریان حقوقی بین ساز باشد. تواند در نفس زمینه حقوقی ایرانی مسأله قضیه یارن ایران چگونه می چنین کاری برای کسی که باید نظام آئین دادرسی کاملاً متفاوتی را برای اولین مرتبه درک کند، کار چندان آسانی نیست. در نتیجه، باید حداقل به این مطلب اذعان نمایم که ام استدلال خود را بر برداشت من از قانون ایران کامل نیست؛ با این همه تلاش کرده اصولی به وضوح مستند از آئین دادرسی کیفری ایران مبتنی سازم

یاران - که از بهار 2008 تا کنون - در زندان مخوف اوین محبوسند - دارای چهار وکیل مدافع از کانون وکلای حقوق بشر مستقر در تهران اند؛ خانم شیرین عبادی (اولین بانوی قاضی قبل از انقلاب اسلامی سال 1979، و برنده جایزه صلح نوبل 2003)، آقای عبدالفتاح سلطانی (از بنیانگذاران کانون مدافعان حقوق بشر)، آقای هادی زاده و خانم زاده، و خانم مهناز پراکند. دو نفر اخیر، یعنی آقای اسمعیل اسمعیل پراکند، در جلسه محاکمه دوازدهم ژانویه 2010 حضور یافته وکالت متهمان را به برد و آقای سلطانی، بدان عهده داشتند، زیرا خانم عبادی در خارج از کشور به سر می توانست در جلسه حضور یابد علت که قبلاً دو مرتبه به زندان افتاده، نمی

وکالت "به نحوی نامتناسب بازدارنده و محدود کننده بود. اندکی بعد از محاکمه، خانم عبادی اظهار نظر کرد که، "وقتی من و همکارانم وکالت آنها را به عهده گرفتیم، های متجاوز از یک سال بود که آنها [افراد بازداشت شده] مجاز به ملاقات با خانواده خود نبودند. و مدتی نیز اجازه ملاقات با ما را نیز نداشتند. بعد از یک سال و نیم، که تحقیقات به انتهی رسید، من و بقیه وکلا اجازه یافتیم پرونده را بخوانیم و در یک مورد [با آنها در زندان ملاقات کنیم." [2]

سازی نظام مبهم دادرسی کیفری ایران است، که شفاف هدف از این مقاله کمک به نیمه هرگز به طور کامل شفاف نخواهد شد. مثلاً نگاه کنید به مقاله "عدالت کیفری [اسلامی: نظام تفتیشی [3] دینی"، اثر ریچارد وگلر [4]

های حقوقی غربی به طور کلی، رویه قضائی اسلامی اولویت حقوقی را که در نظام العاده تکالیف در قانون مذهبی شناسد، اما بر اهمیت فوق وجود دارد به رسمیت نمی

◀ Previous: پیام ۱ فروردین ۱۳۸۹ بیت العدل اعظم به بهائیان ایران

Next: ▶ بهائیان ایران از تمامی حقوق انسانی محروم اند

Email to a friend

Post on Facebook

Print This Post

نماید. ایران مستثنی نیست. هر آنچه از حقوق اساسی بشر در قانون اسلامی تأکید می بینی شده، الملل تحت حمایت قرار گرفته است به ظاهر در قانون اساسی ایران پیش‌بین اما این حقوق با مشروط شدن به “موازن اسلامی”، که مبهم و نامشخص است، محدود شده است. هر تلاشی در مدرنیزه کردن نظام عدالت کیفری اسلامی ایران برای المللی محکوم به شکست و حرمان است، سازگار شدن با موازین مترقی حقوق بشر بین تا بدان حد که اهداف و نیازهای قانون شریعت تأمین نمی‌شود. واقعیت این است که وفق دادن آنها با یکدیگر غیرممکن است.

جویانه کیفری ایران دارای تناقض و تباین آشکار با موازین در نتیجه، عدالت سلطه نگیزد که اسلام المللی است، و به این ترتیب این تعمیم عجولانه را برمی‌حقوق بشر بین و حقوق بشر با یکدیگر ناسازگارند. اما خواننده باید با درک این مطلب که نظام ایرانی نظام حقوقی قطعی و مسلم “اسلامی” (اجماع عام که بر آنچه که اصلاً وجود ندارد) گیری مقاومت نماید. در واقع، وکلر نظام عدالت کیفری نیست، در مقابل این نتیجه کند که “به شدت و بیش از جنید ایرانی راه، در کنار سایر موارد، موردی توصیف می آمیز، محلّ و تلاشی فی نفسه منشأتوان آن را “تبعیض‌کنند” و می‌حذ مجرم قلمداد می ها حذف شده است)، گو این که شرط انصاف آن است قول جرم” وصف کرد (124)، نقل طلبان ایرانی طالب تغییر الگو در کاربرد قانون اسلامی که گفته شود بعضی از اصلاح اندیشه

منبع اصلی، اما نه منحصر به فرد، اطلاعات نویسنده حاضر راجع به نظام فعلی آئین دادرسی کیفری ایران مقاله مورد بررسی یکی از همکاران، یعنی “عدالت کیفری گوید که ایرانی در طرح اسلامی نمودن،” اثر حسن رضائی [5] است. رضائی می طرح جاری “اسلامی کردن عدالت کیفری”، عملاً، “اهداف غائی قانون اسلامی را تأمین نکرده بلکه منافع و علائق روحانیون سیاسی را که رهنمودهای اسلامی کردن را اند” ارضاء کرده است. (رضائی 2002، ص 68). رضائی تنش بین مفهوم تعیین کرده دهد: حقوق در قانون غربی و مفهوم تکالیف در قانون اسلامی را مورد تأکید قرار می “مشاهده تفاوت بین زبان قانون نوین در توضیحات حقوق و زمینه قانون اسلامی، های حقوقی دینی و غیردینی را بر ملا که به تکالیف می‌پردازد، عمق شکاف بین نظریه سازد. به این ترتیب پنداره “حق‌الله” در پیگرد و مجازات جرائم کاملاً غیر عادی می عجیب است.” (رضائی 2002، ص 64) این دوگانگی آموزنده است، و خواننده باید در نظر داشته باشد که کلّ پنداره “عدالت” در قانون اسلامی اساساً و از بنیاد با های غربی قانون و دادرسی کیفری کاملاً متفاوت‌های متداول عدالت در نظام دیدگاه است.

همانطور که قبلاً بحث کرده‌ام، از آنجا که ایران در حال حاضر برای موازین المللی حقوق بشر احترامی قائل نیست یا بدان گردن نمینهد، باید خاطر نشان ساختن که ایران از جمله امضاء کنندگان “اعلامیه اسلامی حقوق بشر قاهره” مصوب و صادره در نوزدهمین کنفرانس اسلامی وزرای خارجه در قاهره به تاریخ 5 اوت 1990 [مصوب 14 محرم 1411 قمری مطابق با 15 مرداد 1369 شمسی] است. [6] در بخش نهایی این مقاله، اصول مندرج در این سند در قضیه یاران ایران مورد استفاده واقع خواهد شد.

“عدالت اسلامی”

قانون آئین دادرسی کیفری دادگاههای عمومی و انقلاب” در 20 سپتامبر 1999 به “تصویب مجلس ایران رسید و در 26 اکتبر 1999 تنفیذ و اجرا شد. [7] نظام آئین دادرسی کیفری که اکنون در ایران متداول است، تا حدی، بر اصل “عدالت الهی در خلقت و تشریح” مبتنی است

مثیل است که بردارد که نظام عدالت کیفری ایران از این نظر بی‌رضائی اظهار می پایه تفسیر ایرانی (یعنی شیعی) از شریعت اسلامی استوار است: “از آنجا هدف اصلی های عدالت‌تغییرات شگرف در عدالت کیفری ایران کاربرد احکام الهی بود، ویژگی های دیگر اصلاحات عدالت کیفری معاصر در غرب متفاوت کیفری ایران با کلیه شکل توان آن را موضوعی جذاب برای محققان عدالت کیفری تطبیقی، که است. بنابراین می های امکان‌پذیر حقوقی علاقمندند، تلقی کرد.” (رضائی به مطالعه گسترده کامل پدیده 2002، ص 55)

المللی به طور اعم، باید اما، سؤالاتی جدی، هم در داخل ایران و هم در جامعه بین مطرح کرد که این نظام “عدالت اسلامی”، وقتی اصل مزبور در حیّز عمل در آید،

تواند از لحاظ آئین دادرسی منصفانه و عادلانه باشد. بنا به گفته رضائی، چگونه می انداممللی را متوجه خود ساخته اساساً دادگاه‌های انقلاب هستند که تا کنون انتقادات بین

ها، به جای آن که اسلامی و دهد که این دادگاه‌تاریخ بیست ساله گذشته نشان می منصفانه باشند، در واقع انقلابی و خودسرانه هستند. بخش عمده انتقاد سازمان‌های ها است. قضات این‌المللی حقوق بشر علیه ایران مبتنی بر اقدامات این دادگاه‌بین دادگاه‌ها اکثرأ روحانیونی با هیچ یا اندکی دانش در مواضع حقوقی‌اند و بدین علت به ندرت از حضور وکیل مدافع در فرایندهای اقامه دعوی خود راضی هستند. این ها محاکم مذهبی را که هیچ اساسی در قانون ندارند به وجود آوردند. آئین‌دادگاه های لازم برای دادرسی این محاکم از مقتضیات اکید وجود مدرک، اثبات ادله و تضمین دفاع منحرف شده است. ابتدا، احکام صادره توسط این دادگاه‌ها، که ملهم از نظام اسلامی عدالت قاضی بود، قطعی و نهائی محسوب میشد، و بدون هیچ تجدید نظر گردید. اما در سال 1988 حق استیناف مورد تأیید قرار گرفت. اقامه قضائی تنفیذ می دعوی عمدتاً در خفا صورت گرفته و متهمان به ندرت فرصت و امکان برخورداری (از وکیل مدافع را داشته‌اند. (رضائی 2002، صص 63-62)

های انقلاب جمهوری اسلامی بر پایه نظام تفتیشی و نظام خصمی، موجود در دادگاه ایالات متحده، انگلستان و سایر نقاط دنیای غرب و جهان در حال توسعه، استوار کند. قاضی به عنوان دادستان، قاضی و هیأت منصفه، و نیز حکم عمل می قاضی مقامی بسیار قدرتمند در هر قضیه‌ای است که بر آن ریاست دارد

در غرب، قاضی بدون تعلیمات و تحصیلات حقوقی غیر قابل قبول است زیرا اصلاً چنین چیزی قابل تصور نیست. برعکس در ایران قضات عموماً دارای هیچگونه تعلیمات و تحصیلات حقوقی نیستند. تا سال 1981، نظام قضائی ایران از قضاتی که های حقوق تحصیل کرده بودند زوده شد. حقوقدانان تعلیم دیده جای خود در دانشکده‌های تحصیلات و طلاب حوزه‌های علمیه، و نیز گمارده شدگان سیاسی سپردند. را به فارغ طبق قانون، قضات ایرانی امروز تنها باید دارای دیپلم دبیرستان باشند. شرایط اساسی آنها تمسک تام و تمام به اصول جمهوری اسلامی ایران است. وجه مشخصه قاضی طرفی ایرانی جانبداری و یکسونگری است نه بی

های انقلاب‌کنند که تصمیمات دادگاه‌بینی می‌ماده 232 قانون آئین دادرسی کیفری پیش های عمومی) قطعی است، مگر وقتی که مجازات تعیین شده شدید باشد – (و دادگاه توان تقاضای تجدیدمانند مواردی که مستلزم حکم اعدام باشد که در این صورت می نظر را به دیوان عالی کشور، که طبق اصل 161 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب 23 اکتبر 1979، ترمیم شده در 28 ژوئیه 1989، بالاترین مقام قضائی ماند این است که وقتی قضاوت درای که باقی می‌ایران است، تسلیم نمود. تنها نکته شود. اگر، محاکمه یاران ایران صورت گرفت، باید دید که چه حکمی صادر می توان‌رود، حکم صادره شدید باشد، در این مقطع فقط می‌همانطور که انتظار می زنی نمود که آیا دیوان عالی کشور تقاضای استیناف را خواهد پذیرفت یا خیر گمانه

عدالتی آئین دادرسی بوده، که به این ترتیب، اصولاً اجرای “عدالت اسلامی” عملاً بی عدالتی اسلامی [ایرانی] “المللی متداول، “بی‌صدور حکمی را که، طبق معیارهای بین الجزایرها و تجاوزات در مجمع‌نماید. با توجه به مجموعه شکنجه‌است ترغیب می های ایران دیگر جای تردیدی در این حکم باقی نمی‌ماند. همانطور که شیرین‌زندان عبادی، برنده جایزه صلح نوبل 2003، اخیراً اظهار داشت، “متأسفانه، مدتی است [که دستگاه قضائی ایران از عدالت به دور افتاده است.” 8]

در طی تحلیل فعلی نویسنده، تلاش خواهد شد تا جریان این محاکمه طبق موازین آئین دادرسی خود ایران “مورد قضاوت” قرار گیرد. این معیار دشوارتری است که وجوه دادرسی محاکمه یاران ایران باید با آن قضاوت شود، زیرا ایران عملاً از جریان مناسب و صحیح انقلاب که از جنگ جهانی دوم بدین سو در سراسر جهان رخ داده بسیار فاصله گرفته است

خانم عبادی، به عنوان مقام اول وکلای مدافع هفت بهائی، یعنی یاران، بر مبنای آئین دادرسی، محاکمه یاران را، جدا از آنچه که شایسته قضیه است و غیر از مبنای اساسی (یا غیر اساسی) خود اتهامات، که هر کدام، به عنوان جرائم مستحق مرگ، ممکن است به مجازات اعدام منجر شود، شدیداً مورد انتقاد قرار داد: “کار از اول شدند. این تأخیر که تا کنون ادامه‌اشتباه بود، یعنی موکلین من باید بلافاصله آزاد می یافته با قوانین جمهوری اسلامی ایران مغایرت تام دارد.” [9] در اینجا خانم عبادی، که

اطلاعاتش در زمینه آئین دادرسی کیفری ایران به مراتب بیش از نویسنده این مقاله شدند (و کند که یاران باید آزاد می‌است، صرفاً بر مبنای آئین دادرسی استدلال می‌احتمالاً اتهامات مردود شمرده شوند). بر مبنای قیاس، که در آئین دادرسی ابدأ وجود ندارد، نظریه “علت احتمالی” است که آشکارا نباید به عنوان شرط دستگیری و بازداشت “موقت” ابراز شود.

اظهار داشته است (<http://news.bahai.org/story/753>) المللی بهائی‌جامعه بین که محاکمه 12 ژانویه 2010 در تهران از لحاظ “موارد متعدّد نقض” جریان صحیح حقوقی، چشمگیر است. محاکمه یاران ایران، در داخل ایران و نیز در سطح تواند خلاف‌بین‌المللی، شدیداً مورد انتقاد واقع شده است. اما این که آیا وکیل مدافع می‌ای مورد آئین دادرسی بودن محاکمه را مطرح کند یا خیر باید در تحلیل حقوقی جداگانه بررسی قرار گیرد.

رویه قضائی و محلّ محاکمه

شود، که اساساً از لحاظ رویه قضائی، قضیه این محاکمه در دادگاه انقلاب مطرح می‌های انقلاب در ژوئیه 1994 تحت به اصطلاح “قانون‌دادگاهی امنیتی است. دادگاه های عمومی و انقلاب” تأسیس شد. [10] ماده 5 قانون مزبور رویه تشکیل دادگاه: کندهای انقلاب را مطرح می‌قضائی دادگاه

- ماده 5 – به تعداد مورد نیاز دادگاه‌های انقلاب، در مرکز هر استان و مناطقی که ضرورت تشکیل آن را رییس قوه قضائیه تشخیص می‌دهد تحت‌نظارت و ریاست اداری حوزه قضائی تشکیل می‌گردد، و به جرائم ذیل رسیدگی می‌نماید:
- 1. کلیه جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی و محاربه یا افساد فی‌الارض –
- 2. توهین به مقام بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری –
- 3. توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه و ترور تخریب مؤسسات به – منظور مقابله با نظام جاسوسی به نفع اجانب –
- 4. کلیه جرائم مربوط به قاچاق و مواد مخدر –
- 5. دعای مربوط به اصل 49 قانون اساسی –
- 6.

در اینجا، دادگاه انقلاب در تهران صلاحیت و اختیارات قضائی خود را طبق اتهاماتی که گفته میشود جاسوسی است به نحوی صحیح اعمال کرده است؛ در اینجا، عجیب آن شود که‌اند و ادعا می‌کند، یاران به اقدام به عنوان عوامل امریکا و اسرائیل متهم شده اند، و مدعی‌اند که در تبلیغ علیه مصالح امنیتی جمهوری اسلامی ایران قدم برداشته اند؛ هر یک از این اتهامات را وکیل مدافع علیه نظام جمهوری اسلامی شرکت کرده متهمان قویاً رد کرده است. اگرچه محلّ محاکمه صحیح است، اما مسائلی جدی در مورد وجوه آئین دادرسی این قضیه تحت قانون آئین دادرسی کیفری ایران وجود دارد.

تعقیب کیفری و کیفرخواست

مختصر آن که، در مورد رعایت ضوابط در این قضیه مسائلی جدی وجود دارد. اساس بودن اتهاماتی که مبتنی بر شواهد و دلایل نباشند، موقع مذاقه و موشکافی‌بی گردد. در خصوص اتهام “جاسوسی”، بر اساس مبانی حقوقی قیاسی، این‌برملا می‌قضیه به هیچ اقدام “جاسوسی شناخته شده” که طبق هر “قانون جاسوسی” در هر نظام شود، هیچ شباهت ظاهری ندارد. بنابراین، فقطقضائی دیگری جرم شناخته می‌تواندگیری کرد که تعقیب کیفری، از سوی جمهوری اسلامی ایران، نمی‌توان نتیجه‌می‌پسندی جهت جاسوسی مطرح گرددبه صورت قضیه مدلل و محکمه

پرداز جرم جاسوسی به‌غر غرب، مقرّرات مربوط به جاسوسی نوعاً در عبارت عنوان کسب اطلاعات مربوط به دفاع ملی جهت استفاده به نفع کشوری بیگانه (غالباً) شود. با توجه به آنچه که‌بدون قائل شدن هیچ تمایزی بین دوست و دشمن) تصریح می‌ذکر شد، چه “اسرار دولتی” به خطر افتاده است؟ تهدید نسبت به امنیت خارجی و ثبات داخلی کشور در کجا است؟ متهمان نه از عوامل اسرائیلند و نه از مأموران امریکا. آنها حتی عوامل “جزئی” جاسوسی نیز نیستند. در واقع، سر سوزنی دلیل و مدرک وجود ندارد که فردی از این هفت نفر را بتوان متهم به دست داشتن در توطئه‌ای معین نمود، یا دادگاه بتواند تلاش کند چنین سند و مدرکی را به وکیل مدافع متهمان ارائه نماید، یا اصلاً چنین سندی انتشار یافته باشد.

بینی مجازات اعدام در قضایای مربوط به جاسوسی و خیانت مبتنی بر این اصل‌پیش است که گرفتن جان فرد جاسوس یا خانن به عنوان عامل بازدارنده برای کسانی شود

که بعد از آن به ارتکاب اعمال مشابهی ممکن است وسوسه شوند. این سیاست اجتماعی با پیامد نادرست در این قضیه در دم محکوم به شکست است. در این، که هیچ اقدام قابل شناسایی جاسوسی یا خیانت وجود ندارد، صدور هر حکم دال بر مقصر عدالتی آشکار است بودن متهمان بی

اما، هدف از این مقاله دفاع تفصیلی و اساسی از یاران نیست، زیرا نقطه تمرکز اصلی این مقاله تمهید تحلیلی نسبتاً عینی از رفتار حقوقی با یاران تحت آئین دادرسی کیفری ایران است. این کار به دو دلیل سخت دشوار است: (1) اطلاعات درباره تفصیلات حقوقی مرتبط با قضیه یاران فوق العاده محدود است؛ و (2) اطلاعات مربوط به جزئیات و ظرایف آئین دادرسی کیفری ایران (بخصوص در رابطه با استثنائات عناصر اصلی متعارف قانون ایران) نیز محدود است، گو این که اطلاعات کافی وجود دارد که این تحلیل را میسر سازد

تفاوت اصلی بین نظام جدید "اسلامی شده" (یعنی فرضاً سازگار با موازین اسلامی شیعه) و نظام قدیم آئین دادرسی کیفری ایران (در زمان شاه سابق ایران) در این است گیرد. به این ترتیب، های قضائی تحت نظارت دادگاه صورت می‌که کلیه دادرسی ادعانامه دادیار که قبل از دادگاه باید تهیه شود از میان برداشته شده است. اکنون، در نظام فعلی، هیچ فرایند ادعانامه رسمی قبل از محاکمه وجود ندارد. در عوض، شود. در نظام فعلی هنوز "مقام توضیح اِتهام به عنوان نفس کیفرخواست تلقی می شود به کلی دادستانی" وجود دارد، اما ادعانامه دادستانی که قبل از محاکمه تنظیم می کنار گذاشته شده است

این روند با اصل 37 قانون اساسی جمهوری اسلامی مغایرت واضح دارد. اصل 37 گویای آن است که: "اصل، بر برائت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد." اکثریت مردم ایران قبلاً از این مسأله آگاهی نداشتند. اما، در محاکمه سال 1999 علیه آقای کرباسچی، شهردار تهران، که از تلویزیون ایران پخش شد، این تناقض علناً مکشوف گردید. از آن زمان طرفی تواند بی‌به بعد، اجماع عام این است که نظام جدید آئین دادرسی کیفری ایران نمی را حفظ کند

به این ترتیب کیفرخواست در محاکمه‌ای که اخیراً در 12 ژانویه 2010 رخ داد و یاران به "جاسوسی برای امریکا و اسرائیل، اقدام علیه امنیت ملی و [دست داشتن در] تبلیغ رسد علیه نظام [جمهوری اسلامی]" متهم شدند، عملاً به اجرا در آمد. [11] به نظر می که اِتهام جاسوسی برای امریکا به اِتهام جاسوسی برای اسرائیل که قبلاً اعلام شده بود افزوده شده است

علیرغم تقاضای وکیل مدافع، دادگاه حکم کرد که محاکمه پشت درهای بسته انجام شود، و منسوبین متهمان را ملزم کرد اطاق دادگاه را ترک کنند. [12] در همان روزی المللی شد: محاکمه، اتحادیه اروپا در واکنشی سریع طالب اجرای هنجارهای بین ای عادلانه، منصفانه و علنی با احترام به کلیه موازین "اتحادیه اروپا خواستار محاکمه المللی شد." این محاکمه اعم از آن که طبق موازین ایران "عادلانه" یا وظائف بین "منصفانه" تلقی گردد یا خیر، این مطلب کاملاً روشن است که نظام قضائی ایران به المللی احترام نخواهد گذاشت، و نسبت به تقاضای اتحادیه اروپا موازین و وظائف بین برای "محاکمه علنی" واقعی نگذاشته است. در واقع، آئین دادرسی فعلی کیفری ایران ابدأ "علنی" نیست

قبل از شروع محاکمه در 12 ژانویه 2010، هفت بهائی به معنی واقعی کلمه تحت بیینی می‌کند که، باز داشت موقت بودند. ماده 132 قانون آئین دادرسی کیفری ایران پیش "ماده 132 - به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، در موارد لزوم و جلوگیری از فرار یا پنهان شدن یا تبانی با دیگری، قاضی مکلف است پس از تفهیم اِتهام به وی یکی از قرارهای تأمین کیفری زیر را صادر نماید: 1 - التزام به حضور با قول شرف. 2 - التزام به حضور با تعیین وجه التزام تا ختم محاکمه و اجرای حکم و در صورت استتکاف تبدیل به وجه الکفاله. 3 - اخذ کفیل با وجه الکفاله. 4 - اخذ وثیقه اعم از وجه نقد یا ضمانت نامه بانکی یا مال منقول و غیر منقول. 5 - بازداشت موقت با رعایت شرایط مقرر در این قانون

شوند، و بنابراین آزادی با "التزام به‌ر اینجا، یاران به عنوان خطر امنیتی تصور می حضور با قول شرف،" وجه الکفاله، کفیل، اخذ وثیقه میسر نباشد، "بازداشت موقت با رعایت شرایط مقرر در این قانون" تنها شیق باقیمانده خواهد بود که دادگاه اعمال کرده

الحقیقه “موقت” یا حتی “با رعایت شرایط است. اما، این که آیا بازداشت یاران فی مقرر در این قانون” است یا خیر، شدیداً مورد تردید و مستلزم بحثی علنی و آزاد است. به هر تقدیر، اصطلاح “بازداشت موقت” به فراسوی حدود و ثغورش کشیده شده است. هر “بازداشت موقتی” که مدت یک و نیم سال طول کشیده باشد، زودباوری را تداوم بخشیده است و باید وجدان دستگاه قضائی را تکان دهد. (مُتهم، خانم مهوش ثابت، روز 5 مارس 2008 در شهر مشهد، در شمال شرقی ایران، دستگیر شد و شش نفر مُتهم دیگر، آقای بهروز توکلی، آقای سعید رضائی، خانم فریبا کمال‌آبادی، آقای الدین خانجانی و آقای عقیف نعیمی، روز 14 مه 2008 در وحید تیزفهم، آقای جمال توان‌منزل خود در تهران بازداشت شدند.) به این ترتیب یاران عملاً تحت آنچه می‌اند “بازداشت اجباری” تحلیل نمود، قرار داشته

به این ترتیب، یاران همچنان در بازداشت “موقت” یا به عملاً “اجباری” نگه داشته میشوند. طبق آئین دادرسی کیفری ایران، “بازداشت موقت” دارای “شرایط مقرر” است – مقرراتی طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قانون آئین دادرسی های انقلاب که رئوس کلی حقوق‌های عمومی و دادگاه‌کیفری برای دادگاه شدگان را مطرح کرده و حدودی را که در زمان دستگیری، استنطاق و بازداشت بازداشت مجاز است روشن ساخته است

بخش دوم

(بازداشت موقت، برخورداری از مشاور حقوقی (وکیل مدافع)

بازداشت عبارت از طول مدت حبس به تنهایی نیست. وجوهی از بازداشت نیز باید مد نظر قرار گیرد، مانند این که آیا با بازداشت شدگان به نحو صحیح رفتار شده یا به اند. از جمله انواع بدرفتاری که بازداشت‌نحوی نادرست مورد بدرفتاری قرار گرفته شدگان ممکن است در معرض آن قرار گیرند محروم کردن آنها از دسترسی به مشاور حقوقی، جلوگیری از ملاقات مرتب با خانواده طبق مقررات زندان، خودداری از رفتار انسانی با آنها به انحاء مختلف – بخصوص وقتی که در معرض شکنجه‌های جسمی و الملل‌بدرفتاری روانشناختی قرار گیرند – آشکارا ناقض شرایط کاربردی قانون بین توان استدلال “ایرانی” یا “شیعی” توصیف کرد، این است. اما، برای بسط آنچه که می‌شود مقاله دقیقاً روی نحوه رفتار با یاران طبق آئین دادرسی کیفری ایران، که گفته می‌آید اساس و مبنای آن قوانین اسلامی ایران است، تمرکز دارد. از این روی، در این مقاله مسأله قانون بین‌الملل، و کاربرد آن در مورد یاران، جز در حاشیه، مطرح نخواهد شد. انتشارات پیشین، از جمله مواردی که به قلم نویسنده این مقاله تحریر شده، الملل را عرضه کرده‌اند مستندات فراوانی در اشاره به موارد گوناگون نقض قانون بین که بهائیان ایران به طور اعم، و یاران ایران به طور اخص در معرض آن بوده‌اند

دهد که همه یاران ایران یا بعضی از آنها به طرق مختلف در حبس‌شواهد نشان می‌اند. سابقه آن کاملاً روشن است که، به استثنای یک مورد، یاران ایران، انفرادی بوده تا جلسه اول محاکمه، که روز 12 ژانویه 2010 برگزار گردید، از دسترسی به علاوه، یاران ایران از ملاقات با خانواده خود نیز مشاور حقوقی محروم بوده‌اند. به اند، گو این که ملاقات‌ها در موارد نادری صورت گرفته است. شواهد ممنوع بوده توان ارائه نمود که ثابت نماید یاران ایران تحت فشار روانشناختی و بیشتری می‌اند تا ایمان خود به امر بهائی را انکار نمایند جسمانی شدید بوده

نویسنده این مقاله متکی به منابع متعدد اطلاعات، از جمله یک منبع مهم است: “شما توانید بازداشت کنید: ایران سرکوب فعالان مستقل را هر کسی را به هر دلیلی می‌دهد.” [13] از سایر منابع در سراسر بقیه این مقاله نقل خواهد شد گسترش می

بازداشت موقت

طبق نظام ایران، آیا تمایزی بین بازداشت موقت قانونی و بازداشت غیرقانونی و توان قبل از محاکمه بدون خودسرانه وجود دارد؟ افراد بازداشت شده را چه مدتی می‌ای ساده و روشن به نظر اتهامات رسمی نگه داشت؟ جواب، ابتدا، به نحو فریبنده کند که، “موضوع می‌رسد. اصل 32 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ملزم می‌اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به مُتهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال ... گردد.” ماده 24 قانون آئین دادرسی کیفری، منطبق با قانون اساسی، مدت زمان 24 ساعته را کند که “چنانچه ... بازداشت مُتهم برای تکمیل تحقیقات‌ای تعیین می‌به عنوان محدوده ضروری باشد” در طی آن مقامات مربوطه باید دلیل کتبی به فرد بازداشتی ارائه

نمایند. در این مورد لازم است قاضی‌ای اجازه بازداشت قبل از محاکمه را صادر نماید و در طی 24 ساعت از زمان دستگیری اتهامات به طور کتبی ابلاغ گردد. این قوانین آشکارا در مورد یاران ایران معمول نگشته است. چگونه چنین امری ممکن است؟

استثنائات و مفرهای بسیاری در قانون اسلامی ایران وجود دارد. ماده 32 قانون بینمی می‌کند که، در فضایی مربوط به جرائم کیفری تحت عنوان اساسی ایران پیش المللی کشور "ایران" ("قوانین امنیتی")، قاضی می‌تواند "جرائم علیه امنیت ملی و بین حکم بازداشت موقت صادر کند و به مقامات مربوطه اجازه دهد افراد بازداشت شده را، بدون هیچ اتهامی، بیش از 24 ساعت در بازداشت نگه دارند

اماده 32 قانون اساسی | دستگیری

هیچکس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و تریبی که قانون معین می‌کند در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتبا به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود

ای، اگر وجود داشته باشد، باید روی آوردن تحت این شرایط، آیا متهمان به چه راه چاره دهند و به چه حیلی متشیب گردند؟ ماده 33 قانون آئین دادرسی به متهمان حق می‌ظرف ده روز نسبت به حکم بازداشت خود تقاضای تجدید نظر دهند و این که تکلیف فرد بازداشت شده باید در ظرف یک ماه روشن شود. استثناء در این ماده آن که به دهد حکم بازداشت موقت را تجدید نماید، و هیچ محدودیتی در تعدادقاضی اجازه می‌دفعات تجدید این حکم وجود ندارد. در قضیه یاران، "تحقیقات جاری"، که هجده ماه طول کشید، عملاً بهائیان بازداشتی را در بازداشت "موقت" دائمی نگه داشت که تا یافت. در طی این مدت، یاران، در مدت تحقیقات قبل از تکمیل تحقیقات دولت ادامه می‌الملاقات، و در طی این مدت از دسترسی به وکلای خود، مگر محاکمه، عمدتاً ممنوع در یک مورد در زندان اوین، ممنوع بودند، و مقامات مربوطه اجازه ارتباط بسیار مختصری با اعضاء خانواده را می‌دادند

روز 17 اکتبر 2009، کمیته گزارشگران حقوق بشر با آقای عبدالفتاح سلطانی - سخنگوی کانون مدافعان حقوق بشر (که مشترکاً با شیرین عبادی، برنده جایزه صلح نوبل 2003 تأسیس کرده بود) و یکی از چهار وکیل مدافع یاران ایران، مصاحبه‌ای انجام داد. آقای سلطانی، درباره بازداشت نادرست و نابجا اظهار داشت

در تاریخ 15 شهریورماه بنده و وکلای دیگر این پرونده به قرار بازداشت موقت اعتراض نمودیم. مدت قرار بازداشت موقت قبل منقضی شده بود و دادگاه از نظر قانونی حق تمدید قرار بازداشت موقت را نداشت. پرونده برای رسیدگی به اعتراض بنده و سایر همکاران به دادگاه تجدینظر ارسال شد. اصولاً ظرف 4 الی 5 روز به اعتراض به پرونده‌هایی که متهمان آن در زندان به سر می‌برند رسیدگی می‌شود اما در خصوص این پرونده اکنون پس از گذشت حدود 40 روز از فرستادن پرونده به دادگاه ای که پرونده به آن ارجاع داده شده باشد نیز برای ما مشخص تجدینظر حتی شعبه نیست، به این معنا که مراجعه ما به قسمت رایانه بی‌ثمر بوده و هنوز حتی به ما اعلام [نکردند پرونده به کدام شعبه رفته است]. [14]

کند، بر این مینا که دادگاه در اینجا، سلطانی وکیل دعاوی، که از طرف یاران عمل می‌بدوی انقلاب از حد صلاحیت قضائی خود در تمدید مجدد طول بازداشت موقت تجاوز کرده، درخواست تجدینظری را تنظیم کرده به دادگاه استیناف تقدیم نمود. این تقاضای تجدید نظر کاربرد آئین دادرسی کیفری ایران در پرونده هفت بهائی را به تصویر کشد. توجه داشته باشید که، در این اقدام حقوقی، آقای سلطانی تقاضای تجدید نظری را بنا بر شرایط مصرحه در قانون آئین دادرسی کیفری، و نه طبق مستندات یا آئین الملل، تنظیم و تقدیم کرده است. مبنای این تقاضای تجدید نظر دادرسی قانون بین واضح است: دادگاه انقلاب، طبق تقاضای تجدید نظر تنظیمی کانون مدافعان حقوق بشر ای حاکم بر بازداشت موقت مذکور نامه به نمایندگی آقای سلطانی، با نقض مقررات آئین در قانون کیفری ایران، از حیظه اختیارات خود تجاوز کرده است. نویسنده مقاله حاضر فعلاً از پیامد قضیه یا وضعیت فعلی این درخواست تجدید نظر آگاهی ندارد، و کاملاً امکان دارد که خود آقای سلطانی نیز از وضعیت آن آگاه نشده باشد

(دسترسی به مشاور حقوقی (وکیل مدافع

المللی محفوظ داشته‌حق برخورداری از مشاور حقوقی را قانون ایران و نیز قانون بین است. ماده 35 قانون اساسی ایران حق برخورداری از مشاور حقوقی را تضمین می‌کند:

اماده 35 [حق مشاوره

در همه دادگاه ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد

کند. ماده‌اما، ماده 128 قانون آئین دادرسی کیفری این حق را عملاً تضعیف می 128 گویای آن است که در طی مرحله تحقیق، “در مواردی که موضوع جنبه محرمانه دارد یا حضور غیر متهم به تشخیص قاضی موجب فساد گردد” می‌توان از حضور وکیل جلوگیری کرد. اگرچه مرحله تحقیق ممکن است تا یک ماه طول بکشد، تواند مرحله بازداشت را برای مدتی نامحدود تجدید نماید. در جرایمی اما قاضی می شود، “حضور وکیل در مرحله تحقیق با اجازه دادگاه که به امنیت ملی مربوط می دهد که مانع ازگیری می‌خواهد بود.” ماده 128 به قاضی آزادی عمل و قدرت تصمیم حضور وکیل در مرحله تحقیق گردد. در قضیه یاران، هفت بهائی اجازه یافتند فقط یک مرتبه قبل از نخستین جلسه محاکمه، که روز 12 ژانویه 2010 بود، با وکلای خود ملاقات نمایند

اما این حقوق حفظ شده کاملاً بیهوده است مگر آن که مقامات ایرانی، مطابق با لفظ و روح قانون عمل نمایند. یاران، همانطور که قبلاً اشاره شد، دارای چهار وکیل مدافع از کانون مدافعان حقوق بشرند – خانم شیرین عبادی (اولین بانوی قاضی قبل از انقلاب اسلامی سال 1979 و برنده جایزه صلح نوبل 2003)، آقای عبدالفتاح سلطانی، آقای زاده، و خانم مهناز پراکند. دو نفر اخیر، یعنی آقای اسمعیل زاده و خانم هادی اسمعیل مهناز پراکند، در جلسه محاکمه روز 12 ژانویه 2010 حضور یافتند، زیرا خانم برد، و آقای سلطانی، بدان علت که قبلاً دو مرتبه عبادی در خارج از کشور به سر می محبوب شده، در دسترس قرار نداشت

همانطور که قبلاً اشاره شد، “وکالت” یاران به نحوی نامناسب محدود کننده است. اندکی بعد از محاکمه، خانم عبادی اظهار نظر کرد، “وقتی که من وکالت اینها را به اتفاق همکارانم قبول کردیم، بیش از یک سال بود که اینها در زندان بودند و اجازه ملاقات را با بستگان نداشتند. تا مدت هابه ما اجازه ملاقات داده نشد، تا این که بعد از یک سال و نیم که تحقیقات تمام شد، پرونده را فرستادند به دادگاه، آن موقع به من و سایر وکلا اجازه خواندن پرونده داده شد و وکلا توانستند یک نوبت، موکلینشان را در [زندانی ملاقات کنند.” [15]

الملل در این قضیه در نظام قضائی خارج از حیطه این مقاله اگرچه کاربرد قانون بین المللی خواهد شد. درست، اما اشاره‌ای گذرا به مناسبت و قابلیت اعمال موازین بین توان در پرونده یاران مد نظر الملل چند مطلب مرتبط وجود دارد که می‌قانون بین گردد: قرار داد. دو مورد نمونه در اینجا، صرفاً برای روشن شدن قضیه، مطرح می (1) در بخش مرتبط در سند سازمان ملل متحد با عنوان “اصول اساسی نقش و وظایف وکلای دعوی” آمده است: “کلید افراد دستگیر، بازداشت یا زندانی شده فرصت و زمان و تسهیلات کافی برای ملاقات و ارتباط و مشورت با وکیل، بدون تأخیر، دخالت و سانسور و با قید کامل مجرمانه بودن، خواهند داشت. این مشورت در معرض دید ولی در فاصله ای که حرفها توسط ضابطین قانون شنیده نشود صورت خواهد گرفت.” [16] (2) همچنین، در بخش مرتبط، در سند “حداقل مقررات معیار برای رفتار با زندانیان”، مصوب سازمان ملل متحد، چنین آمده است: “به زندانی محاکمه نشده باید اجازه داده شود بازداشت خود را بلافاصله به خانواده خود اطلاع دهد و کلیه تسهیلات معقول برای ارتباط با خانواده و دوستانش، و برای پذیرفتن آنان در زندان، فقط مشروط ها و نظارت لازم برای مصالح اجرای عدالت و امنیت و نظم به رعایت محدودیت الملل مطلوب زندان، به او داده شود.” [17] همانطور که دو مطلب مذکور در قانون بین المللی را در رابطه باکند، اولیاء حکومت ایران به وضوح موازین بین‌تصریح می رفتار با افراد بازداشتی نقض کرده و هفت بهائی را از دسترسی فوری و کافی به اند. در این وکیل باز داشته و مانع از ملاقات مرتب خانواده طبق مقررات زندان شده رابطه، با یاران ایران رفتار برابر با اوضاع مشابه بازداشت شدگان در ایران به طور توان استدلال نمود که یاران، در واقع، با اعم معمول نشده است، گو این که می اندشگران مشابه امنیتی، مواجه بوده‌رفتاری برابر، مانند بازداشت

المللی حقوق بشر میزان حداکثر دوران بازداشت قبل از غریب آن که، قانون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ملزم کند. ماده 9 (3) میثاق بین محاکمه را تصریح نمی کند که، “هر کسی که به اتهام جرمی دستگیر و یا بازداشت می‌گردد... شایسته می است که در مدت معقولی دادرسی شود و یا آزاد گردد. نباید بازداشت و انتظار دادرسی افراد بصورت قاعده عمومی و کلی درآید، ولی در هر مرحله از رسیدگی قضائی، (متهم) ممکن است با تضمین آزادی (موقت) جهت حضور در دادگاه و به اقتضای حکم کنندادگاه موکول گردد.” [18] اما، قانون آئین دادرسی کیفری ایران حدود را تعیین می (یعنی اصل 32 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده 24 قانون آئین دادرسی ای را قائل شده‌اند که در طی آن اتهامات رسمی، کتباً، کیفری، هر دو، حدّ 24 ساعته باید به متهم ابلاغ گردد)، گو این که استثنائات امنیتی معمولاً برای دور زدن مقتضیات گردد. اما، مستثنیای امنیتی در ماده 32 قانون آئین دادرسی (و قانون ایران اعمال می مواد بعدی که تجدید احکام قضائی بازداشت موقت را برای مدت زمان نامعلوم مجاز المللی‌های فرایند مناسب و صحیح مذکور در میثاق بین‌شمارد) نقض آشکار تضمین‌های حقوق مدنی و سیاسی است.

نویسنده مقاله حاضر، با توجه به روایات شخصی که در اختیار داشت و جزئیات کرد، ابتدا قصد داشت رفتار با یاران مهمی را درباره تجربیات آنها از زندان بازگو می ایران در داخل زندان اوین را مورد بحث قرار دهد. اما، مؤلف تصمیم گرفت، به علت خطرات امنیتی که متوجه بعضی افراد مقیم ایران میشود، به این تحلیل نپردازد. به‌علاوه، افشاء چنین جزئیات دقیقی می‌توانست تأثیرات ناخوشایندی به جای گذارد و تر قرار دهد. اما، آنچه که یاران ایران را بیش از پیش در معرض رفتارهای نامطلوب بگرداند علنی شده اطلاعاتی است که ذیلاً نقل می

هرکدام با مشکلات جسمی خاصی روبرو هستند و از کمترین امکانات همچون داشتن تخت هم محرومند. (مأمّن رضائی، “برای پدرم و دیگر زندانیان بهائی <http://www.iranpresswatch.org/fa/post/571> [19]

ای همچون تختخواب همدر اینجا، هر یک از هفت بهائی بازداشتی از امکانات اولیه علاوه، هر یک از یاران در معرض موارد غیرمصرّحی از “مشکلات محرومند. به تواند جزئیات را خود مجسم نماید، زیرا دختر این زندانی جسمی” مواجهند. خواننده می های جسمانی که یاران کرد جزئیات دقیقی را درباره محرومیت‌ها مصلحت ایجاب نمی ایران ملزم به تحمل آن هستند افشاء نماید

بخش سوم

“کاربرد” اعلامیه حقوق بشر اسلامی قاهره

منصفانه آن که، “اعلامیه حقوق بشر اسلامی قاهره”، مصوّب و صادره در نوزدهمین کنفرانس اسلامی وزرای خارجه در قاهره به تاریخ 5 اوت 1990 [مصوب 14 محرم 1411 قمری مطابق با 15 مرداد 1369 شمسی] [20] سندی تاریخی است المللی باشد. یقیناً، هر یک از اعضاء کنفرانس اسلامی وزرای خارجه باید مورد احترام بین خارجه، از جمله ایران، که در زمره امضاء کنندگان آن است، ملزم به رعایت این ای منضم به آن نیست، اما هر یک از اعضاء اعلامیه‌اند. اگرچه هیچ شرط تنفیذ کننده کنفرانس اسلامی وزرای خارجه در مقابل گردن نهادن، یا گردن ننهادن، به هر یک یا جملگی مواد و شرایط آن، مسئول است. در تحلیل فعلی، معقول آن است که با ماده گوییدیک شروع کنیم که می

ماده 1

(الف) بشر به طور کلی يك خانواده می‌باشند که بندگان نسبت به خداوند و فرزند نسبت به آدم آنها را گردآورده و همه مردم در اصل شرافت انسانی و تکلیف و مسئولیت برابرند بدون هرگونه تبعیضی از لحاظ نژاد، یا رنگ یا جنس یا اعتقاد دینی یا وابستگی سیاسی یا وضع اجتماعی و غیره.

ضمناً عقیده صحیح، تنها تضمین برای رشد این شرافت از راه تکامل انسان می‌باشد.

(ب) همه مخلوقات به منزله عائله خداوندی هستند و محبوبترین آنان نزد خدا سودمندترین آنان به همنوع خود است. و هیچ احدي بر دیگری برتری ندارد مگر در تقوی و کار نیکو.

در اینجا توجه داشته باشید که احترام به جمیع افراد بشر مربوط به “عقیده دینی” است. مسأله این است که ایران به هر اقدامی دست زده که اطمینان حاصل نماید امر

بهائی به عنوان دین مورد تأیید و تصدیق واقع نشود. با مستثنی کردن بزرگترین اقلیت ای تخمیناً سیصد هزار نفره – از مقولهء دیانت‌دینی غیرمسلمان ایران – جامعه “رسمی”، رژیم ایران مادهء یک را برای بهائیان ایران غیر عملی ساخته است. حتی اگر کشور دیگری از اعضاء اسلامی اعتراضی را علیه رفتار ایران با بهائیان به نمود (که بسیار نامحتمل است)، طور اعم، و یاران ایران به طور اخص، اقامه می توانست به مواد نهائی اعلامیهء حقوق بشر اسلامی قاهره متوسل ایران به سهولت می گویند که می

ماده 24

کلیه حقوق و آزادی‌های مذکور در این سند، مشروط به مطابقت با احکام شریعت اسلامی می‌باشد

ماده 25

شریعت اسلامی تنها مرجع برای تفسیر یا توضیح هر ماده از مواد این اعلامیه می‌باشد. در اینجا، کاربرد قانون شریعت اسلامی عملاً می‌تواند کاربرد مادهء یک در مورد بهائیان ایران و، در واقع، در مورد بهائیان هر یک از کشورهای عضو کنفرانس اسلامی و زرای خارجه را، به این دلیل ساده که اسلام حتی امکان‌پذیری دیانتی بعد از اسلام را تصدیق نمی‌کند، خنثی سازد.

اما، مواد دیگری وجود دارد که، اگرچه مبتنی بر کاربرد شریعت اسلامی است، اما می‌توان به عنوان حمایت‌های “اسلامی” که باید شامل بهائیان ایران و، در این مورد، شامل یاران ایران، گردد، به آن متوسل گردید:

ماده 19

(الف) مردم در برابر شرع مساوی هستند. در این امر حاکم و محکوم نیز باهم برابرند.
(ب) مراجعه و پناه بردن به دادگاه حقی است که برای همه تضمین شده است.
(ج) مسئولیت در اصل شخصی است.

(د) هیچ جرمی یا مجازاتی نیست مگر به موجب احکام شریعت.

(ه) متهم، بی‌گناه است تا این که محکومیتش از راه محاکمه عادلانه‌ای که همه تضمین‌ها برای دفاع از او فراهم باشد ثابت گردد.

ماده 20

دستگیری یا محدود ساختن آزادی یا تبعید، یا مجازات هر انسانی جایز نیست مگر به مقتضای شرع و نباید او را شکنجه بدنی یا روحی کرد یا با او بگونه‌ای حقارت‌آمیز یا سخت، یا منافی حیثیت انسانی، رفتار کرد. همچنین اجبار هر فردی برای آزمایشات پزشکی یا علمی جایز نیست مگر با رضایت وی و مشروط بر این که سلامتی و زندگی او به مخاطره نیفتد. همچنین تدوین قوانین استثنایی که به قوه اجرائیه چنین اجازه‌ای را بدهد، نیز جایز نمی‌باشد.

در اینجا مادهء 19 (ه)، اساساً، به طور کامل باید شامل حال جمیع افراد، صرف نظر از وابستگی دینی، منصفانه و بدون هیچ غرضی اجرا گردد. متأسفانه، این اعلامیه هیچ تعریف ارائه نمی‌کند که مقصود از “محاکمه منصفانه” چیست. و نیز این اعلامیه هیچ توسل حقوقی یا دیپلماتیک برای موارد نقض هر یک از مواد آن (که احتمالاً غیر قابل نقض است) تعیین نمی‌کند.

مادهء 20 هرگونه “شکنجه بدنی یا روحی یا رفتار به گونه‌ای حقارت‌آمیز یا سخت، یا منافی حیثیت انسانی” را منع می‌کند. بدون علنی کردن جزئیات چشمگیری که ممکن است خطری را متوجه یاران کند، کافی است بگوییم که شواهدی وجود دارد که یاران ایران تحت سختی‌ها، محرومیت‌ها، تحقیرها، و نیز بدرفتاری جسمی و روانی قرار داشته‌اند، که برخی از آنها کاملاً منطبق با اعمال “شکنجه” است.

کلام آخر

تحلیل حقوقی فوق از تاریخ پرونده و رفتار با هفت بهائی، معروف به یاران ایران، موارد نقض قوانین کیفری ایران را، که مطرح شده و نیز مواد اجرایی قانون آئین دادرسی کیفری (که قبلاً از آن نقل قول شد)، و نقض اسف‌انگیز و وحشتناک مفاد صیانتی و حفاظتی مذکور در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را به وضوح ترسیم نمود. یک نمونه دیگر درباره آزادی دین است. اصولاً، ولی نه عملاً، قانون

اساسی از آزادی عقیده حمایت می‌کند:

ماده 23 [آزادی عقیده]

تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد.

البته، این صیانت قانونی هرگز شامل حال بهائیان ایران نشده است. در عوض، آنچه که رخ داده کاملاً نقطه عکس آن بوده است: مجموعه کامل دستگاه دولتی ایران به نحو گسترده‌ای برای تفتیش عقاید آحاد بهائیان بسیج شده، و بهائیان، در نفس مفاد اصل 23، مرتباً مورد مزاحمت واقع شده و به علت عقاید بهائی خود مورد مواخذه و نکوهش قرار گرفته‌اند.

بخش چهارم

حق دفاع

دولت ایران از عامل نظام حقوقی برای ادامه دادن آنچه که می‌توان منصفانه به عنوان «محاکمه نمایشی» توصیف کرد به نفع تندروان بهائی‌ستیز – و به ضرر عظیم موقعیت بین‌المللی ایران در جامعه ملل عالم، و نیز خیانت به اصول اظهار شده خودش – استفاده می‌کند. بدتر از همه آن که، اگر اجازه دهند این مضحکه جاسوسی که دستاویز قرار داده‌اند، و سایر اتهامات امنیتی استمرار یابد، نام نیکو و حُسن شهرت اسلام – که به معنای تسلیم به حضور قدرتمند عدالت تحت عقاید و رسوم الهی است – خدشه‌دار می‌شود.

بر اساس مبانی آئین‌نامه‌ای به تنهایی، دادگاه انقلاب باید، به دلیل فقدان جریان صحیح، قاطعانه این قضیه را مردود شمارد. ایران، به عنوان یکی از امضاء کنندگان میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، خود را ملزم ساخته که طبق قانون بین‌الملل فرایند صحیح را اعمال نماید. اما، فرایند صحیح در جریان این قضیه وجود ندارد.

حتی اگر ایران (به جای تظاهر به گردن نهادن به آن، هر چند که با شرایط خاص خود و منطبق با تفسیرهای حقوقی خود) علناً قانون بین‌المللی را باطل اعلام کند، نمی‌تواند از اتهام نقض مقتضیات آئین‌نامه دادرسی خودش بگریزد.

به‌علاوه، محاکمه غیر علنی یاران، اسلام را در معرض محاکمه علنی قرار داده است. این سیاه‌بازی عدالت، فاجعه‌های تماشایی، مضحکه جریان مناسب، تحریف عدالت «اسلامی» ایرانی، انکار فاحش و وقیحانه موازین بین‌المللی حقوق بشر، لطمه‌ای بر وجدان قضائی، اهانتی به شأن و منزلت انسانی، رسوایی بین‌المللی و بدنامی ملی را و عده می‌دهد. این محاکمه نمایشی چشمگیر نتیجه معکوس خواهد داشت.

مقامات ایرانی باید عواقب این محاکمه را، اگر نتایج غیر منصفانه داشته باشد، مد نظر قرار دهد. جامعه بین‌المللی، طبق ماده 3 «اعلامیه محو کلیه اشکال ناپردباری و تبعیض مبتنی بر مذهب یا اعتقاد»، موظف است چنین اقداماتی را قاطعانه محکوم کند، و گردن نهادن به این شرط قانون بین‌الملل را پیش شرط عادی سازی روابط سیاسی قرار دهد. «دادگاه جهانی» افکار عمومی بین‌المللی، با توجه به پیامد این قضیه فوق‌العاده نمادین که در سطح گسترده‌ای تبلیغ و تشهیر شده، به هر صورتی، حکم خود را صادر خواهد کرد. اگر یاران مقصر اعلام شوند و محکوم گردند، جامعه بین‌المللی قاطعانه اعلام خواهد کرد که ایران قانون بین‌الملل (و، منطقی، آئین دادرسی کیفری ایران) را نقض کرده است و «گناهکار» اعلام می‌شود و به انزوای بیشتر محکوم خواهد گردید.

در تحلیل نهائی، سیاست بهائی‌ستیزانه ایران لطمه جدی به شهرت اسلام در سطح جهان وارد می‌کند که صدماتش نه فقط فرقه شیعه بلکه دامن فرقه سنی در اکثر کشورهای دیگر اسلامی را نیز می‌گیرد. در نتیجه رفتار ایران با اقلیت بهائی – و بخصوص یاران ایران – حدّ اعلاّی تعرض به مصالح حمایت‌شده [21] لطمه علاج‌ناپذیر بر حیثیت اسلام در انظار جامعه بین‌المللی است. همانطور که آقای سلطانی در مصاحبه 17 اکتبر 2009 اظهار داشته، «بنابر این، با توجه به شرایط بین‌المللی، و نیز وضعیت داخلی در ایران، نگه داشتن مدیران بهائی در زندان به قیمت گزاف [سیاسی] برای مقامات مملکت تمام می‌شود. این بخصوص بدان علت مصداق دارد که این افراد نه فعالیت سیاسی داشته‌اند، و نه نماینده هیچ جبهه سیاسی هستند. آنها فقط در حیطه عقاید خود فعال بوده‌اند.» و افزود، «هیچ شواهد ملموسی برای

اثهاتاتی که علیه هفت فرد نفر مزبور وجود ندارد. اتهامات فقط از لحاظ کلیات است و، مانند بسیاری از پرونده‌های سیاسی و دینی، دارای هیچ استدلال حقوقی ابدأ نیست.” [22]

اگر با سعه صدر بنگریم که قضیه دولت در اینجا ممکن است ناشی از غفلت تغییرناپذیر باشد، فقط مردود شمردن قضیه علیه یاران ایران بر اساس مبانی آئین‌نامه‌ای می‌تواند بهترین راه برای کلیه طرف‌های ذی‌مدخل برای “حفظ آبرو” باشد. در این طریقه، دولت ایران ملزم نیست بار سنگین “اثبات” اتهامات بی‌اساس را بر دوش بگیرد، زیرا دیگر لزومی نخواهد داشت که به مزایای مورد نظر در این قضیه برسند. اذعان دارم که این مصلحت‌آمیزترین طریق برای دادگاه است که خود را از شر اعتراضات آئین‌نامه‌ای که، در صورت استیناف، طبق انتظار، برای تجدید نظر قضائی روی میز دیوان عالی کشور خواهد رفت، خلاصی بخشد.

اکنون، محاکمه محکوم‌کننده یاران برای 7 فوریه 2010 تعیین شده است. این محاکمه قانونی را که کمتر از شش سال قبل تصویب شده به آزمون خواهد گذاشت. روز دوم مه 2004 [15/2/1383]، قانون “حفظ حقوق شهروندی” به تصویب مجلس ششم ایران رسید. روز بعد، شورای نگهبان آن را تصویب کرد. این قانون یک هفته بعد به رئیس‌جمهور ایران، محمد خاتمی، ابلاغ گردید. ماده 3 قانون حفظ حقوق شهروندی محدودیت تحمیل شده بر ماده 128 قانون آئین دادرسی کیفری را حذف کرده و گزارش می‌شود که دادگاه‌ها ماده 3 قانون حفظ حقوق شهروندی را اجرا نکرده‌اند. [23]

بنا به گفته قاضی استفان ترچسل Judge Stefan Trechsel، قاضی محکمه بین‌المللی برای تعقیب کیفری اشخاص مسئول نقض فاحش قانون انسان‌دوستانه ارتکابی در قلمرو یوگسلاوی سابق، در لاهه در هلند، دادرسی کیفری باید با دو اصل بنیادی عدالت هماهنگ باشد: آئین‌نامه‌ای و اساسی. فرایند صحیح آئین‌نامه‌ای، طبق قانون تعریف شده آئین‌نامه دادرسی کیفری، باید حافظ حق برخورداری از محاکمه منصفانه باشد. تضمین‌های محاکمه منصفانه شامل حق محاکمه عمومی، حق محاکمه شدن در مدت زمانی معقول، حق شنیده شدن کلام در حضور محکمه بی‌طرف و مستقل، حق متهم که بی‌گناه فرض شود – تا زمانی که در تعقیب کیفری بتوان بدون هیچ شک و تردیدی تقصیر را ثابت کرد – و حق تقاضای استیناف برای تجدید نظر قضائی میشود. باید موازنه قوا “برابری تجهیزاتی” بین پیگرد قانونی و دفاع وجود داشته باشد. حق محاکمه‌ای منصفانه و علنی متهم را از محاکمه‌های سرّی و مخفیانه محفوظ می‌دارد. محاکمه‌ها باید منصفانه باشد تا در “عرضه عدالت” توفیق یابد و به این ترتیب حسن اعتماد به اعمال عدالت را القاء کند. محاکمه منصفانه فقط برای متهم نیست، بلکه حق عامه مردم (از جمله جامعه بین‌المللی) برای مذاقه و موشکافی در سلامت و صحت دادرسی و پیگرد قانونی را نیز حفظ می‌کند. چنین محاکمه‌ای مشروعیت اقتدار دولت را برای ملت خود و برای جهان تأیید می‌کند یا مردود می‌شمارد. [24]

آیا “محاکمه منصفانه ایرانی” جمع اضداد است؟ برخورداری یاران ایران از حق محاکمه اساسی منصفانه شاخص کلیدی رعایت انصاف در نظام عدالت کیفری ایران است. نظام عدالت کیفری ایران، اگر موازین جریان صحیح و مناسب در این محاکمه نمایشی چشمگیر مرعی نگردد، صداقت، اصالت و اعتبار و پذیرفتاری‌اش را بالمره از دست میدهد. اگر یاران، در پیگرد کیفری، برای جرائمی که در سطح بین‌المللی قابل قبول و تصدیق باشد به نحوی محاکمه نگردند که تأمین‌کننده موازین محاکمه منصفانه قابل تأیید در سطح بین‌المللی باشد، از نظام عدالت کیفری ایران، در دادگاه افکار بین‌المللی، سلب حیثیت و آبرو خواهد شد و فی‌الحقیقه شرمسار و خجالت‌زده خواهد گردید.

ضمیمه

فهرست شرایط فرایند صحیح آئین دادرسی

طبق قانون آئین دادرسی کیفری ایران

نحوه رفتار با یاران ایران ناقض قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قانون آئین دادرسی کیفری ایران، و موازین بین‌المللی فرایند صحیح دادرسی است.

برای ملاحظه قانون آئین دادرسی کیفری ایران، نگاه کنید به قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در <http://hoghoogh.online.fr>

/article.php3?id_article=67

همچنین نگاه کنید به قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی به زبان فارسی در نشانی <http://www.bia-judiciary.ir/tabid/144/Default.aspx>.

مواد قانونی زیر به نقل از قانون آئین دادرسی کیفری ایران فهرستی را فراهم می‌آورد که گردن نهادن دستگاه قضائی ایران به موازین ملی (و اسلامی) خودش را، که به به حقوق یاران در برخورداری از فرایند صحیح دادرسی مربوط می‌شود، می‌توان سنجید.

1- ماده 112: “احضار متهم به وسیله احضار نامه به عمل می‌آید. احضار نامه در دو نسخه فرستاده می‌شود، یک نسخه را متهم گرفته و نسخه دیگر را امضاء کرده به مأمور احضار رد می‌کند.”

2- ماده 119: “جلب متهم به موجب برگ جلب به عمل می‌آید. برگ جلب که مضمونش، مضمون احضاریه است باید به متهم ابلاغ شود.”

3- ماده 121: “جلب متهم به استثنای موارد فوری، باید در روز به عمل آید.”

4- ماده 123: “متهم از هنگام ابلاغ برگ جلب تا حضور نزد قاضی تحت نظر و محافظت خواهد بود.”

تبصره – مأمورین مکلفند متهم جلب شده را بلافاصله تحویل مقام قضائی دهند و در صورتی می‌توانند وی را بازداشت نمایند که بیم تبانی و خوف فرار و امحاء آثار جرم باشد و در هر صورت حق نگهداری وی را بیش از (24) ساعت بدون اجازه مقام قضائی ندارند.”

5- ماده 132: “به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، در موارد لزوم و جلوگیری از فرار یا پنهان شدن یا تبانی با دیگری، قاضی مکلف است پس از تفهیم اتهام به وی یکی از قرارهای تأمین کیفری زیر را صادر نماید: 1 – التزام به حضور با قول شرف؛ 2 – التزام به حضور با تعیین وجه التزام تا ختم محاکمه و اجرای حکم و در صورت استنکاف تبدیل به وجه الكفاله؛ 3 – اخذ کفیل با وجه الكفاله؛ 4 – اخذ وثیقه اعم از وجه نقد یا ضمانتنامه بانکی یا مال منقول و غیر منقول؛ 5 – بازداشت موقت با رعایت شرایط مقرر در این قانون.”

6- ماده 185: “در کلیه امور جزایی طرفین دعوا می‌توانند وکیل یا وکلای مدافع خود را انتخاب و معرفی نمایند، وقت دادرسی به متهم، شاکي، مدعی خصوصی و وکلای مدافع آنان ابلاغ خواهد شد در صورت تعدد وکیل حضور یکی از وکلای هر یک از طرفین برای تشکیل دادگاه و رسیدگی کافی است.”

[1] که روز 12 ژانویه 2010، یعنی روز اولین جلسه محاکمه یاران در <http://www.iranpresswatch.org/?s=buck> درج گردید.

[2] “Iran’s Ebadi says seven Baha’is must be acquitted.” Washington TV. Online at http://televisionwashington.com/floater_article1.aspx?lang=en&t=1&id=17143

[3] مترجم: واژه Inquisitoriality (تفتیشی) به نظام دادرسی گفته می‌شود که خود دادگاه یا بخشی از دادگاه در بازجویی و تحقیق دست داشته باشد. در مقابل آن نظام خصمی Adversarial یا Adversary System است که دادگاه (اعم از قاضی یا هیأت منصفه) به طور بیطرفانه به اظهارات و دفاعیات وکلای طرفین (که خصم یکدیگر محسوب) گوش داده به قضاوت می‌پردازد.

[4] Richard Vogler, “Islamic Criminal Justice: Theocratic Inquisitoriality,” *A World View of Criminal Justice* (Hants, UK/Burlington, VY: Ashgate Publishing, 2005), 105–126.

[5] Hassan Rezaei, “The Iranian Criminal Justice under the Islamization Project,” *European Journal of Crime, Criminal Law and Criminal Justice* 10.1 (2002): 54–69.

[6] نگاه کنید به <http://www.religlaw.org/interdocs/docs/cairohrislam1990.htm> [مترجم: ترجمه فارسی آن را می‌توانید در <http://www.gozaar.org/template1.php?id=894&language=persian> ملاحظه نمایید.]

[7] مترجم: تاریخ تصویب 28/6/1378 و تاریخ تأیید شورای نگهبان 31/6/1378 و تاریخ اجرا 3 آبانماه 1378

[8] “Iran’s Ebadi says seven Baha’is must be acquitted,”
در Iran Press Watch, January 13, 2010
مترجم: مصاحبه مورد بحث. <http://www.iranpresswatch.org/post/5406>.
خانم شیرین عبادی در نشانی زیر موجود است
<http://www.roozonline.com/persian/interview/interview-item/article/2010/january/13/-d79a3fa80b.html>]

[9] نگاه کنید به “Iran’s Ebadi says seven Baha’is must be acquitted,”
Iran Press Watch, January 13 2010. [مترجم: برای متن فارسی نگاه کنید به
[<http://www.irandarjahan.net/spip.php?article771>]

[10] مترجم: این قانون در تاریخ پانزدهم تیر ماه 1373 به تصویب مجلس شورای اسلامی و در تاریخ 22 تیرماه 1373 به تأیید شورای نگهبان رسیده است.
[http://tarh.majlis.ir/?ShowRule&Rid=a3aed2b3-\(c9a4-42a4-8bd4-7a1073d369bd](http://tarh.majlis.ir/?ShowRule&Rid=a3aed2b3-(c9a4-42a4-8bd4-7a1073d369bd)

[11] See “Iran’s Ebadi says seven Baha’is must be acquitted,” Iran Press Watch, January 13, 2010.

[12] See “Iran’s Ebadi says seven Baha’is must be acquitted,” Iran Press Watch, January 13, 2010.

[13] : “You Can Detain Anyone for Anything’: Iran’s Broadening Clampdown on Independent Activism.” *Human Rights Watch* 20.1(E) (January 2008), available online at: www.hrw.org/reports/2008/iran0108/iran0108web.pdf.

مترجم: متن فارسی آن را میتوان در http://radiozamaaneh.com/news/2008/01/post_3482.html (پایین صفحه) به رایانه شخصی منتقل نمود.

[14] “Interview with human rights lawyer Soltani,” Iran Press Watch (October 22, 2009). Online at <http://www.iranpresswatch.org/post/5235#more-5235>.

مترجم: برای ملاحظه متن فارسی به نشانی زیر مراجعه فرمایید:

<http://www.facebook.com/notes.php?id=127801922136&start=370&hash=da4e4cb6c9258173f981df8deda3abdf>

[15] (“Iran’s Ebadi says seven Baha’is must be acquitted.” Washington TV. Online at: http://televisionwashington.com/floater_article1.aspx?lang=en&t=1&id=17143

[16] Basic Principles on the Role of Lawyers, A/CONF.144/28/Rev.1 at 118 (1990), art. 8

مترجم: برای ملاحظه ترجمه سند مزبور نگاه کنید به:

<http://www.iranrights.org/farsi/document-166-273.php>

[17] Standard Minimum Rules for the Treatment of Prisoners, adopted Aug. 30, 1955, by the First United Nations Congress on the Prevention of Crime and the Treatment of Offenders, U.N. Doc. A/CONF/611, annex I, E.S.C. res. 663C, 24 U.N. ESCOR Supp. (No. 1) at 11, U.N. Doc. E/3048 (1957), amended E.S.C. res. 2076, 62 U.N. ESCOR Supp. (No. 1) at 35, U.N. Doc. E/5988 (1977), Rule 92

مترجم: برای ملاحظه ترجمه فارسی نگاه کنید به: www.unic-ir.org/hr/hr27.pdf

[18] نقل ترجمه از <http://www.gozaar.org/template1.php?id=882&language=persian>

[19] For English see: <http://www.iranpresswatch.org/post/5229#more-5229>.

[20] نگاه کنید به <http://www.religlaw.org/interdocs/docs/cairohrislam1990.htm>
[مترجم: ترجمه فارسی آن را می‌توانید در
<http://www.gozaar.org/template1.php?id=894&language=persian>
ملاحظه نمایید.]

[21] Injury-in-fact = an invasion of a legally-protected interest
(http://www.law.cornell.edu/anncon/html/art3frag17_user.html)

[22] (“Interview with human rights lawyer Soltani,” Iran Press
Watch (October 22, 2009). Online

Comments are closed.